

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نظری از داگمار هن  
برگردان فشرده از: مرتضی زاکانی  
۰۶ اپریل ۲۰۲۲

## بررسی آنچه در بوچا اتفاق افتاد

### یا واقعا چه کسی مرتکب جنایت جنگی شده است؟

متهم کردن طرف مقابل به جنایات جنگی یک ویژگی رایج تبلیغات جنگ است. شناسایی جنایات جنگی واقعی به این آسانی نیست، زیرا در اینجا نیز دروغ های زیادی وجود دارد. کلاه های سفید در سوریه چطور خاطرتان هست؟ پس چگونه می توان به حقیقت دست یافت؟



Screenshot aus dem Video der ukrainischen Nationalpolizei <https://t.me/infrarotsichtinsdunkel/243>

این دیگر طبیعی است، هر وقت جایی جنگ می شود صحبت از جنایات جنگی می شود. جنگ روانی همیشه بخشی از بازی است و ترسیم تصویری شیطانی از دشمن تا جایی که ممکن است و چهره ای پاک و بی گناه از خود را تا حد امکان بخشی از بازی است. بنابراین، هر زمان که این کلمه کلیدی ذکر می شود، مهم است که به دنبال شواهد باشید و نه حدس و گمان. گاهی، اما نه همیشه، این شواهد در فقط محاکمات جنایات جنگی ارائه می شوند. برای مثال، کالاورپتا در یونان، یکی از جنایات جنگی مهم و رماخت (ارتش المان نازی) که بخشی از موضوع محاکمه نورنبرگ بود. همه ساکنان مرد روستا را روی یک سرایشی جمع کردند و تیرباران کردند. زنان و کودکان در مدرسه محلی حبس شده بودند اما بر اساس گزارش ها فرار کردند زیرا یکی از سربازان درها را به روی آنها باز کرد.

اولین فکر نسل من در مورد جنایات جنگی مای لای بود، روستائی ویتنامی که توسط ارتش ایالات متحده نابود شد. و عامل کیمیائی نارنجی. پس از آن مواردی مانند حملات کنترهای تحت حمایت مالی ایالات متحده در نیکاراگوئه یا حوادث مختلف در جنگ عراق رخ داد. از این مجموعه فقط یک محاکمه برای نیکاراگوئه برگزار شد، البته هیچ محاکمه ای برای جنایات جنگی بر پا نشد. وجه مشترک همه این حوادث این است که طبق دستور اتفاق افتاده اند. این یک ویژگی تعیین کننده جنایت جنگی است. نقض کنوانسیون ژنیو اکنون جنایت جنگی محسوب می شود.

این کار دشواری است زیرا، برای مثال، تیراندازی به خانه‌ای که جلوی آن تانک پارک شده است، جنایت جنگی نیست. تیراندازی به جاسوسان یا خرابکاران هم جنایت جنگی محسوب نمی شود. اما محروم کردن یک شهر از آب، مثلاً با تغییر مسیر یا مسدود کردن یک رودخانه، یک چیز است. محاصره آب کریمه، همانطور که کیف در سال ۲۰۱۴ انجام داد، می‌تواند به خوبی واجد شرایط جنایت جنگی باشد، حتی اگر کسی مستقیماً در نتیجه آن افرادی جان خود را از دست ندهند.

برخی از موارد اما در واقع روشن و بدون ابهام هستند. مثلاً گلوله باران دونتسک با راکت توچکایو چند هفته پیش. با توجه به این حقیقت که فقط اوکراین هنوز این راکت ها را در زرادخانه خود دارد و به سمت مرکز شهر شلیک شد که هیچ هدف نظامی در آنجا وجود ندارد. راکت و کلاهک به وضوح در اسناد ثبت شده قابل مشاهده است. این کلاهک دارای مهمات خوشه ای بود که استفاده از آن در مجاورت غیرنظامیان ممنوع است. بنابراین در این مورد نمی توان شک کرد. با این حال، برای رسانه های المانی مردم دونتسک یعنی قربانیانی اشتباهی بودند و به همین علت هم تحت تیر ها و عناوین بزرگی از آنها نامی برده نشد. یا بهتر بگوئیم عاملان این جنایت جنگی عاملان نبودند که باید از آنها اسم برده شود وگرنه که آنها هشت سال است که دست به جنایات جنگی مشابهی می زنند و هشت سال است حوادث مشابهی را رسانه های غربی مخفی نگه می دارند. اولین جنایت جنگی آشکار اوکراین در همان ابتدای جنگ اتفاق افتاد، اگر لازم باشد باید به اولین درگیری برای تصرف فرودگاه دونتسک مراجعه کرد. مجروحان درگیری که با یک کامیون از فرودگاه حمل می شدند. این کامیون مورد حمله و اصابت راکت توسط یک هوایمای اوکراینی قرار گرفت و هیچ یک از سرنشینان آن جان سالم به در نبردند.

ویدئوی مربوط به بدرفتاری با اسیران جنگی روسی نیز شاهد روشنی است، زیرا عامل و قربانی به وضوح قابل شناسائی هستند. محل وقوع این رویداد نیز شناسائی شده و اکنون برخی از عاملان این رویداد به نام و تصویر هم مشخص شده اند. از آنجا که سوء استفاده از اسیران جنگی یک جنایت جنگی کاملاً تعریف شده است، اطلاعات کمی برای اثبات آن مورد نیاز است. این که آنها زندانی هستند، گواه بر دستان بسته آنها است. آنها یونیفورم معمولی به تن داشتند، بنابراین آنها جاسوس نیستند، که آنها را از وضعیت حفاظت از اسراء مستثنی و محروم می کند. وابستگی عاملان به طرف مقابل یعنی اوکراین نیز آشکار است. به خصوص جالب است که صحت این ضبط این تصاویر هم هرگز مورد مناقشه طرف اوکراینی قرار نگرفت.

این با ماجرای عکس های بوچا فرق می کند. اگر این تصاویر بلافاصله پس از خروج نیروهای روسی از این شهرک منتشر می شدند، آنوقت واقعاً به عنوان سند اعتبار بیشتری داشتند. این امر در عصر دوربین های تیلیفون همراه بدون هیچ مشکلی امکان پذیر بود. روزهایی که بین عقب نشینی روسیه از بوچا و کشف و انتشار ناگهانی تصاویر گذشته است در مورد صحت این اسناد تردیدهای جدی را ایجاد می کند. در یک رمان جنائی، می توان گفت فرصت زیادی برای دستکاری صحنه جرم وجود داشته و در حالی که در زندگی معمولی روزمره، افراد برای به تصویر کشیدن یک جسد در جانی فقط برای گرفتن عکس های مناسب با مشکلات بزرگتری مواجه می شوند، این معمولاً در یک منطقه

جنگی مشکلی نیست، به خصوص در مورد مردان جوان تر. چرا افراد مرده در یک عکس فقط افراد مرده هستند و تصویر افراد مرده در منطقه جنگی دلیلی بر اثبات چیزی نیستند.

صحنه های ضبط شده معتبرتر مضمّن کننده از آنهایی هستند که می توان در اخبار شبانه پخش کرد. تصاویر و ویدیوهای معروف از ۳ جون ۲۰۱۴ از لوگانسک، برای مثال. فلم وحشتناک پس از یک حمله هوایی اوکراین، از جمله زنی که پاهایش کنده شده است. او هنوز زنده بود، از شاهد صحنه و فلمبردار که آنجا بود تلفون همراه خواست تا با خانواده اش تماس بگیرد. فلمهایی از این دست بسیار دلخراش و هضم آن سخت است، اما بی تردید واقعی است، همانطور که قدم زدن و جست و جوی فلمبردار در پارک روبه روی دفتر محلی برای یافتن علت این کشتار و تصاویر راکت های هوا به زمین در زمین فرو رفته بودند.

اگر یک فلمبرداری چیزی را نشان ندهد که در طول روز برای بینندگان تلویزیون قابل نمایش نباشد، و یا مانند فلم هی بدنام کلاه سفید های سوریه از بهترین زاویه ها و تکنیک های دوربین و فلمبردار برخوردار باشد، تقریباً مطمئناً صحنه سازی شده است. زیرا در یک کلینیک واقعی و در کال کار هرگز ضبط بهینه ای انجام نمی شود، زیرا کار نجات جان انسان ها مهمتر از به کار بردن هر دوربینی است و تازه به سختی می توان هر چیزی را که نتیجه فلمبرداری در جنگ واقعی باشد بر احتی به عنوان تصاویر عصرانه برای بینندگان مصرف کرد.

سوءاستفاده از فلم های جنایات جنگی برای غرب یک مشکل جدی بوده! در حالی که تصاویر جنایات اوکراین در دونتسک بدون کوچکترین تردیدی به عنوان فلمی از جنایت روسیه در کیف غالب می شود، یک دیوار زخیم جنایات اوکراین در دونباس را از بقیه جهان جدا می کند. دیواری که می توان پشت آن حتی جنایات با اهمیت تاریخی مانند زنده سوزاندن انسانها در اودسا را پنهان کرد. از این نظر، جای تعجب نیست که همه کانال ها اکنون مملو از تصاویری از بوچا هستند. به هر حال، ترمیم زخم باقی مانده از تصاویر اسرای جنگی روسی که فاشیستهای اوکراینی به پاهایشان شلیک می کنند، حداقل باید یک چیزی یا جنایاتی بزرگتر سر هم بندی کرد تا این لکه ننگ را به فراموشی بسپارد. چراکه هیچ چیز ویرانگرتر از یک لکه کثیف بزرگ بر روی لوح اوکراین نیست، زیرا این کشور قرار است به عنوان بی گناه و قربانی از این طریق به هدف اصلی خود یعنی تحریم های بیشتر روسیه برسد. آیا کسی در اروپا حاضر خواهد به خاطر اوکراینی که این چنین دست به جنایت می زند، به خاطر تحریم ها و گرانی گرسنگی و سرما را تحمل کند؟

بالاخره کار به حدی رسید که حداقل بر اساس بررسی ها، بخش های بزرگی از جمعیت المان برای اوکراین حاضر به تحمل گرسنگی و یخ زدن هستند. و چه کسی می داند شاید هم غرب واقعاً قصد مداخله در جنگ را دارد؟ تنها در المان حداقل صد میلیارد یورو از مالیات های مردم در خطر استفاده برای جنگ است که اکنون باید به جای این که برای چیزهای معقول مصرف شود، به سمت خرید تسلیحات سرازیر می شود و مردم بدانید این برای برتری غرب در جهان است، بنابراین شما باید فداکاری کنید.

در این شرایط، به عنوان یک تماشاگر، در هر فرصتی از خود می پرسم که در جایی که اسناد و مدارک و ارتباطات به اندازه جنایت جنگی اوکراین در دونتسک واضح است و مبهم نیست، چقدر تمایل به دروغ گفتن در غرب وجود دارد وقتی قرار است یکصد میلیارد یورو را صنایع نظامی المان و امریکا آنهم فقط از ارتش المان به جیب بزنند تا بدینوسیله سلطه چند کشور غربی بر جهان را محکم کنند اصلاً گوش شنوایی برای شنیدن و دیدن حقایق وجود دارد؟